

ترکیب در شاهنامه فردوسی



* ترکیب در شاهنامه فردوسی.

* دکتر محمود طاووسی، دکتر عبدالرسول صادق پور، یاسین راشدی.

* چاپ اول، تهران: نوید ۱۳۸۷.

به معنای آتش جهنده و کنایه از هر چیز مورد نیایش و ستایش آمده است. ۱۱. ترکیب‌های خاص و کم‌کاربرد، مثل «برادر پدر»، که به ضرورت وزن این گونه آمده و به معنای «عمو» است (ر.ک به: مقدمه، صص ۷ و ۸). در این واژه‌نامه، نخست ترکیب مورد نظر آمده، سپس تلفظ واژه با حروف لاتین ذکر شده و آنگاه در داخل پرانتز، با حروف اختصاری، هویت دستوری واژه بیان شده است.

پس از واژه اصلی، اجزاء تشکیل‌دهنده واژه مرکب، به تفکیک، با حروف لاتین و معنای اصلی آن جزء ذکر شده و در کنار هر معنا، بیتی که آن واژه بدان معنا در آن به کار رفته است، با ارجاع به جلد و صفحه آن در متن شاهنامه، آمده است؛ به عنوان نمونه، واژه «برومند» در این واژه‌نامه چنین آمده است:

برومند: barumand (ص)

Bar: بار آور (mand)umand: آرزومند

۱- رسیده، رشدیافته، جوان.

از آن ماهش امید فرزند بود

که خورشیدچهر و برومند بود (م ۱۳۷/۱، خ ۱۶۴/۱)

۲- سرسبز، پرثمر، پربرکت.

زمینی که آباد هرگز نبود

برو بر ندیدند کشت و درود

نگه کرد کسری، برومند یافت

به هر خانه‌ای چند فرزند یافت (م ۲۴۱۶/۴۱) (م ۱۸۹/۸)

۳- شادمان، خوش

که جاوید بادا چنین شهریار

برومند بادا چنین روزگار (م ۴۲/۶) (م ۸۱/۱، خ ۹۱/۱)

این کتاب در قطع رحلی، در ۸۱۴ صفحه تدوین شده و مرجع بسیار سودمندی برای شناخت واژگان شاهنامه و گشودن ابهامات معنایی ابیات آن به شمار می‌رود. در پایان کتاب، فهرست منابع و مأخذ مورد استفاده مؤلفان (۶۳ مأخذ فارسی و عربی و ۹ مأخذ انگلیسی، فرانسه و آلمانی) آمده است.

کتاب ترکیب در شاهنامه فردوسی، واژه‌نامه‌ای تخصصی است که به تفصیل، به ترکیبات شاهنامه فردوسی پرداخته و معانی مجازی (استعاری، کنایی) ترکیبات را با آوردن شاهد از شاهنامه توضیح داده است؛ البته بسیاری از واژه‌های غیر ترکیبی نیز در این واژه‌نامه بررسی شده و معانی متفاوت از آنها ذکر گردیده است.

بنا بر آنچه در مقدمه مؤلفان آمده، این واژه‌نامه شامل این واژه‌هاست: ۱. واژه‌های مرکب، همچنین ترکیب‌های وصفی و اضافی که معنای مجازی دارند؛ مانند «پاکیزه‌مغز»، به معنی نیک‌اندیش، «آب زر» به معنی اشک خونین و ...

۲. مصدرهای بسیط که ظاهری ساده دارند، ولی در واقع از دو بخش ماده فعل و پسوند مصدرساز ساخته شده‌اند (رفتن = رفت + ن).

۳. اسم‌های به ظاهر ساده امروزی، نظیر آباد، بهشت و دوزخ، که صورت‌های تاریخی آنها مرکب است، با توجه به صورت‌های کهن آنها آمده است.

۴. عبارت‌های فعلی، اسمی و ... که اغلب معنای کنایی دارند و صورت‌های آنها در حوزه معنایی و تعریف نمی‌گنجد و در کتب دستور زبان با «عبارت» از آنها یاد می‌شود، مانند «آب از دیده باریدن».

۵. عبارت‌های کنایی که در حوزه صور خیال به کنایه‌های ادبی معروف هستند، جزء ترکیبات آورده شده‌اند؛ مانند: «با شهد حنظل آمیختن»، به معنی کار سامان‌یافته را به آشفته‌گی کشاندن.

۶. واژه‌های استعاری، مانند «بادپا»، به معنی اسب.

۷. جمله‌های عربی اسمیه یا فعلیه‌ای که در معنای قیده‌های اعجاب و غیره به کار رفته و در معنای لفظی خود به کار نرفته‌اند؛ مانند الله اکبر.

۸. از صورت‌های صفت ساده، صفت عالی و صفت تفضیلی، فقط صورت ساده آنها آمده است.

۹. برخی از صفت‌های عالی یا تفضیلی که در معنای دیگری به کار رفته‌اند، در واژه‌نامه آمده‌اند؛ مانند «برترین»، به معنای قطور و ضخیم.

۱۰. نام‌های خاص در این واژه‌نامه نیامده است، مگر آنجا که آن اسم خاص، در غیر معنای اصلی خود آمده باشد؛ مانند «آذر گشسب» که در اصل، نام خاص است (یکی از آتش‌های سه‌گانه مقدس حافظ جهان)، اما در شاهنامه